

**Behjatoshoara and a New Approach in Biography-writing in the Qajar Era
(With the Introduction of Hadiqatoshoara)**

Razieh Behabadi *

PhD Candidate of Persian language and literature, Faculty of Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran, behabdirazieh@yahoo.com

Abbas Nikbakht

Assistant Professor of Persian language and Literature, Faculty of Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran, nikbakht_abbas@yahoo.com

Maryam Shabanzadeh

Associate Professor of Persian language and Literature, Faculty of Literature, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran, mshabanzadeh@lihu.usb.ac.ir

Abstract

Persian biographies are among the main sources in the history of literature. The movement of writing biographies was accelerated during Qajar era and on the verge of the Constitutional Revolution. Like other proses, the critique entered into the writing of this period, and it took the form of ironical or humorous biographies. Similar examples were also written for these critical-pleasantry works. One of the followers of this new approach was Mohammad Kazem Tabrizi (known as Asrar Ali Shah). He wrote his biography book in regard to the superficial and indiscreet thinking of the public with a humorous tone and full of anecdotes, and called it Behjatoshoara or Romouz Nojaba. Among various types of biographies, writing a biography like this full of worthless poems and unconditional praises show that the author had a special motive. But this issue has not been investigated by the researchers. This lack of clarification regarding the writer's motivation has led to some falsifications and judgments about the work and its author. In this study, Asrar Ali Shah's Behjatoshoara and his motivation to write it is investigated. Also, Hadiqatoshoara is introduced and its relationship with Behjatoshoara is clarified.

Keywords: Biography-writing in Qajar, Behjatoshoara, Hadiqatoshoara, Asrar Ali Shah

* Corresponding author

فصل نامه متن شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۸۱-۹۵

بهبه الشعرا و رویکردی نو در تذکره نگاری دوره قاجار (با معرفی حدیقه الشعرا)

راضیه به آبادی* - عباس نیکبخت** - مریم شعبانزاده***

چکیده

تذکره های فارسی از منابع اصلی تاریخ ادبیات است. نهضت تذکره نویسی فارسی در دوره قاجار و در آستانه مشروطه شتاب بیشتری گرفت؛ درون مایه انتقاد مانند انواع دیگر نثر به جریان تذکره نویسی این دوره وارد شد و در شکل تذکره های نقیضه ای و طنز نمود یافت. نظیره هایی نیز برای این آثار انتقادی - مطایبه ای نوشته شد. یکی از مقلدین این رویکرد جدید، محمداکرم تبریزی ملقب به اسرارعلی شاه است. او به تقلید از یخچالیه مذهب و با انتقاد از سطحی نگری و بی تدبیری عوام، گزینشی از یادداشت های خود را فراهم کرد و آن را با قلم هجو و مزاح و حکایات عجیب و افسانه های غریب آراست. او این اثر را *بهبه الشعرا* و *رموز نجبا* نامید. نویسنده این تذکره را از اشعار سست و بی ارزش و هجوی و لفاظی را گرد آورد و بی قید و شرط این اشعار و سرایندهان آنها را ستود؛ البته نویسنده در نوشتن این اثر انگیزه ای ویژه داشت که از نظر پژوهشگران به دور مانده است! آشکارنشدن هدف این نوشتار، مخالفت ها و داوری هایی را نسبت به این اثر و نویسنده آن در پی داشته است. در این پژوهش، تذکره *بهبه الشعرا* اسرارعلی شاه و انگیزه نوشتن آن بررسی می شود؛ همچنین با معرفی تذکره *حدیقه الشعرا* اسرار و بررسی ارتباط آن با *بهبه الشعرا*، هدف نگارش *بهبه الشعرا*، یعنی رویکرد انتقادی و مطایبه ای آن روشن تر می شود.

واژه های کلیدی

تذکره نویسی قاجار؛ *بهبه الشعرا*؛ *حدیقه الشعرا*؛ اسرارعلی شاه

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول) behabadirazieh@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران nikhakht_abbas@yahoo.com

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران mshabanzadeh@lihu.usb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۸/۱۷

۱- مقدمه

۱-۱ تذکره و جایگاه آن در نثر فارسی ابتدای مشروطه

یادآوردن، آنچه موجب یادآوری شود، وسیله تذکر، یادگار، از جمله معانی تذکره است (دهخدا: ذیل ماده). تذکره در اصطلاح کتابی است که در آن احوال شاعران نوشته شده باشد (همان). تذکره‌های ادبی فارسی از سنت اخبارنگاری و معجم‌نویسی و نوشته‌هایی مانند طبقات و انساب در علم و ادب عربی - اسلامی ریشه گرفته‌اند (قربانی‌زربین، ۱۳۸۰: ۷۷۸ - ۷۷۴)؛ اما کمال این آثار نتیجه بالیدن در فرهنگ شعری فارسی است. با دقت در فهرست تذکره‌های فارسی در طول حدود هشت قرن تذکره‌نویسی فارسی، از مناقب‌الشعر^۱ در اوایل قرن ششم هجری تا دوره معاصر، می‌توان دریافت که جریان تذکره‌نویسی رو به افزایش بوده است (اصیل، ۱۳۸۶: ۳۲۹). این پیشرفت و افزایش می‌تواند علت‌های مختلفی داشته باشد؛ برخی از آن علت‌ها عبارت است از:

- افزایش ذخیره ادبی (افزایش تعداد شاعران و انواع شعر با گذر زمان)؛

- گسترش توجه به ادبیات و فرهنگ فارسی در عهد صفویه و قاجار همراه با گستره مکانی، نوع مخاطب و...؛

- تأکید بر حفظ نام و آثاری که در شرایط مختلف مانند حمله مغول و غزها و... شاید از بین رفته باشند؛

- افزایش جریان‌های شعری و بیانیه‌ها و گفتمان‌های ادبی.

در ایران از دوره صفوی به تذکره‌نویسی شاعران معاصر بیشتر توجه شد. تذکره‌نویسی در این دوره حالت میانه‌روی خود را از دست داد^۱ و به بازار پیکار و رقابت‌های تند تبدیل شد؛ اما عصر قاجار دوره‌ای ویژه در تذکره‌نویسی فارسی است. تذکره‌نگاری در این روزگار بسیار شکوفا می‌شود^۲ به گونه‌ای که محک و معیار لازم برای سنجش سخن‌شناسی و مایه‌های ذوق و قریحه و قدرت شاعری به شمار می‌رود.^۳

قرن سیزدهم را عصر رستاخیز ادبی می‌نامند. در این دوره کمابیش همه نوع نثری - تاریخ‌نویسی، روزنامه‌نگاری، تذکره‌نویسی، داستان‌نویسی و... وجود داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های نثر فارسی در آستانه مشروطه در دو موضوع درخور بررسی است: ویژگی‌های لفظی (form) و ویژگی‌های موضوعی و درونمایگی (theme). انتقاد بارزترین ویژگی نثر این دوره است؛ «انتقاد از همه کس و همه چیز؛ از شاه و رجال حکومتی گرفته تا شاعران و نویسندگان و مردم عادی» (رحیمیان، ۱۳۸۰: ۲۳). پرداختن به این درون‌مایه، کم‌کم دست‌مایه نویسندگان تذکره‌ها نیز قرار گرفت. با تفکر در تذکره‌ها و بررسی سیر تاریخی آنها در فاصله قرن ششم تا چهاردهم هجری، می‌توان دریافت که معرفی ادبیات شعری در زبان فارسی، از گزینش اشعار تنها، به سوی زندگی‌نامه‌نویسی و سپس به جانب نوشتن تذکره‌هایی با نگاه انتقادی پیش می‌رود و سرانجام به شکل تاریخ ادبیات نمود می‌یابد. بعضی از تذکره‌نویسان در عصر قاجار به بیان دیدگاه‌های انتقادی در زمینه‌های مختلف پرداختند؛ مانند تفاوت‌های سبکی شاعران، سیر دگرگونی شعر، برخی موضوعات نظری درباره شعر و شاعری، مسایل اجتماعی ادبیات و...^۴ طنز و مطایبه در انواع نثر این دوره و حتی دوره‌های بعد با اهداف انتقادی کاربرد یافت. این رویکرد در تذکره‌های این دوره نیز نمود یافت و تذکره‌های نقیضه‌ای^۵ با لحن طنز به نگارش درآمد و نظیره‌هایی بر آن نوشته شد. یکی از این نظیره‌ها، بهجه‌الشعرا^۶ اسرارعلی‌شاه تبریزی است. بی‌توجهی به نوع این اثر، برداشت‌ها و قضاوت‌های مبهمی را درباره آن به همراه داشته است (ر.ک: مجد، ۱۳۹۱: ۱۸ - ۱۹)؛ (اسرار، ۱۳۹۲: ۱۰۰۷)؛ (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ۱۴۲ - ۱۴۱).

تذکره‌ها سرشار از اطلاعات کتاب‌شناسی و تاریخی و جغرافیایی و رجالی و شعری‌اند و به‌طور کلی به همین سبب

گرفتار تصحیف و تحریف و گاه تخریب کاتبان و حتی نویسندگان شده‌اند؛ نویسندگان بعدی کم‌کم این تحریف‌ها و نادرستی‌ها را بدون جستجو و تحقیق به منابع بعدتر انتقال دادند. در تذکره‌های نخستین به سبب بی‌دقتی و جستجو نکردن در آثار و احوال شاعران، خطاها و سهل‌انگاری‌های تاریخی بسیاری دیده می‌شود. افسانه‌پردازی، معرفی اغراق‌آمیز و مبالغه در ستایش شاعران، رونویسی بدون کنکاش و پژوهش از تذکره‌های پیشین، دوست‌داشتن‌ها و دشمنی‌ها و بی‌دقتی در گزینش اشعار، از عیب‌ها و کاستی‌های تذکره‌های نخستین فارسی است. موضوعاتی اینچنین موجب می‌شود که پژوهشگران هر اشتباه و ناراستی و ناهم‌خوانی محتوای تذکره‌ها را به این ویژگی آنها نسبت دهند و در پی بررسی بیشتر و واکاوی انگیزه نویسندگان آنها برنیایند. این‌گونه قضاوت‌ها درباره تذکره‌های منظور نیز آشکار است؛ همان‌گونه که همواره درباره تذکره‌های مشابه آن و نیز تذکره‌های تقلیدشده از آن نیز دیده شده است (ر.ک: اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۱۴۵). البته اهمیت تصحیح نسخه‌های خطی را نمی‌توان نادیده گرفت. استفاده از متنی پیراسته، اصلی بایسته در کارهای تحقیقی است و راه را بر برداشت‌های سطحی و اشتباه خواهد بست. آشکار است که این‌گونه برداشت‌های سطحی و قضاوت‌های عجولانه، برخاسته از مراجعه شتاب‌زده به همه یا قسمتی از متن تصحیح‌نشده تذکره بوده است. با استفاده از نسخه معرفی‌شده *حدیقه‌الشعرا* و نیز بررسی سایر تألیفات اسرار، تصحیح و تحلیل و بازشناسی منابع و روش *بهبه‌الشعرا* آسان خواهد شد.

در این پژوهش، با تحلیل *بهبه‌الشعرا* و مراجعه به منابع مختلف، به‌ویژه آثار دیگر نویسندگان، علت نگارش این اثر همچنین نوع تذکره بررسی شد. سپس با توجه به آن، برخی ویژگی‌های محتوایی و زبانی متن تذکره بیان و با معرفی *حدیقه‌الشعرا* اسرار، ارتباط آن با *بهبه‌الشعرا* او نیز آشکار شد؛ در نتیجه بعضی ابهام‌ها درباره ارتباط این دو و انگیزه نوشتن آنها از بین رفت.

۲-۱ رویکردی نو در تذکره‌نگاری

انگیزه‌های نگارش تذکره‌ها متفاوت بوده است.^۶ در میان اهداف و انگیزه‌های گوناگون، فراهم کردن تذکره‌ای برای ثبت اشعار سبک و بی‌ارزش، انگیزه‌ای بی‌مانند است که هدف‌های ویژه‌ای مانند انتقاد و هجو و سرگرمی و... را دنبال می‌کند. میرزا محمدعلی مذهب اصفهانی متخلص به بهار^۷ با انشایی به شیوه *آتشکده* آذر بیگدلی از اشعار سست و گفتار ناسودمند عده‌ای از یار و سرایان و هرزه‌درایان عصر خود سخن می‌گوید و انتقاد می‌کند؛ بیهوده‌گویی که ادعای شاعری و سخنوری داشتند. مذهب در پی آن بوده است تا *یخچالیه*^۸ را *نقیضه‌آتشکده* آذر قرار دهد؛^۹ اما اثر او «درواقع *نقیضه همه تذکره‌هاست*» (همان: ۱۴۲). این رویکرد ویژه مذهب و ظرایف ادبی همراه با طنزپردازی‌های دلنواز و لطافت بیان او، همواره توجه همگان را برانگیخته است و نظیره‌هایی در تقلید از آن ایجاد شده است (ر.ک: زیاری و فشارکی، ۱۳۹۲: ۱۶۴ - ۱۶۲). یکی از مهم‌ترین نظیره‌های *یخچالیه* مذهب، *بهبه‌الشعرا* محمدکاظم تبریزی (متولد ۱۲۶۵ ق) است که با همان اهداف انتقادی *یخچالیه* نوشته شده است؛ اما انتقاد و اعتراض او رنگی دیگر دارد.

نویسنده *یخچالیه* بر آن است که *آتشکده* سرمشق کار او بوده است.^{۱۰} او «تنها طرح کلی تذکره خود را از آن اقتباس کرده و تعهد چندانی به رعایت اسلوب آن نمی‌بیند» (همان: ۱۶۲). اسرار نیز در پیروی از نظیره خود مانند مذهب به تقلید کامل اعتقادی ندارد. این ویژگی در نظیره‌نویسی و نقیضه‌پردازی ستوده شده است؛ زیرا اجبار و وادار شدن به تقلید عبارت‌به‌عبارت و کلمه‌به‌کلمه، میدان را برای هنرنمایی تنگ می‌کند و نتیجه خوبی به دست نمی‌آید (ر.ک: اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۱۳۹ و ۱۸۶).

۲- بهجه‌الشعرا و نویسنده آن

نویسنده بهجه‌الشعرا، محمدکاظم تبریزی ملقب به اسرارعلی‌شاه (۱۲۶۵^{۱۱} - حدود ۱۳۱۵^{۱۲} ق) است. او از پانزده سالگی قصد داشت تا زندگانی را به نوشتن بگذراند و از همان زمان به سرودن غزل پرداخت؛ اما به سبب عیب‌جویی و نکوهش نزدیکان، زمانی را به خاموشی گذراند و بعدها در بیست و چهار سالگی به مثنوی‌سرایی و سپس ستایش‌نامه اطهار و ستم‌دیدگان کربلا روی آورد؛ اما دوباره با عیب‌جویی تنگ‌نظران روبرو شد.^{۱۳} پس از آن در سال ۱۲۹۹ هجری قمری، فردی او را برمی‌انگیزد که «عزیزا! دل بد مدار. سخن را موافق طبع اهل روزگار بیار» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۹۳۲۸: ۶) و از او می‌خواهد که در نوشتن، خودپسند نباشد و به‌جای چکامه‌سرایی و گرامی‌داشتن دوستان در سروده‌ها به هجو روی آورد؛ زیرا هجوگویان در دیده مردم روزگار بیشتر ستایش می‌شوند (همان). اسرار در مقدمه بهجه‌الشعرا به این ماجرا و چگونگی تصمیمش برای نوشتن کتاب اشاره کرده است؛ او شبی در خانه یکی از دوستانش یخچالیه میرزا محمدعلی ندیم (در شرح حال بعضی شعرای فارسی‌زبان) را می‌بیند که در عهد محمدشاه نوشته شده است. یکی از فارسی‌زبانان در آن جمع به طعنه می‌گوید: «چه می‌بودی که مجموعه‌ای هم در احوالات و اشعار شعرای اتراک که در این خاک پاک‌اند، درج می‌شد تا کمالات عالیّه این سلسله علیّه می‌فهمیدیم» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۸۵۴۰۸: ۲). اسرار از این سخن غمگین می‌شود و برای اعتراض به این شرایط و شکوه از پسند عوام تصمیم می‌گیرد به خواسته این دوست جامه عمل بپوشاند. پس به قصد شکوه و انتقاد، کار نگارش تذکره مطایبه‌آمیز خود را آغاز می‌کند.

او کتابی درباره اشعار سخنوران بدله‌سرا و نوحه‌خوانان آذربایجان نوشته بود. این اثر شرح حال کسانی است که بیشتر شعرهایشان به زبان ترکی بود و برخی غزلیات و قطعات و رباعیات فارسی در دیوانشان کاربرد اندکی یافته بود. اسرار این اثر را حدیقه‌الشعرا (تألیف ۱۲۹۸^{۱۴} ق) می‌نامید. اسرار، خود در مقدمه این کتاب آن را ذیلی بر مجمع‌الفصحای رضاقلی‌خان هدایت می‌داند و معتقد است این اثر دربردارنده شاعرانی است که نامی از آنها در مجمع‌الفصحای و سایر تذکره‌ها نیامده است. او با هدف انتقاد از بعضی اشعار سست و بی‌مزه سخنوران روزگار خود، گزینشی از یادداشت‌های خود فراهم کرد و آن را با قلم مزاح و چاشنی هجو آراست و با حکایات و افسانه‌هایی عجیب و حیرت‌آور همراه کرد و آن را بهجه‌الشعرا و رموز نجبا نام نهاد. هدف اصلی نویسنده از تدوین بهجه‌الشعرا (تألیف ۱۲۹۹^{۱۵} ق)، «نقد بعضی از اشعار سست و بی‌مزه سخنوران آن قرن می‌باشد که من باب مطایبه در مقابل یخچالیه میرزا ابوطالب مذهب به قلم آورده است» (تربیت، ۱۳۷۸: ۸۳ - ۸۲). انبوهی از عوام ساده‌دل و رفیقان هجوپسند از این کتاب و مطایبات و هجویات آن استقبال کردند و آن را ستودند. او در این باره می‌نویسد: «اوراقی چند از نظم [و] نثر در تنبیه و تکبیر شعرای بی‌قوافی و قواعد که در معلم‌خانه ابجدخانی هنوز از تدریج آحاد به مدارج عشرات عروج نکرده‌اند، تلفیق شده، مسمی به بهجه‌الشعرا گردید و اطباق دیگر از حکایات ضحک‌آور مانند کلیات نشاطی و سوزنی، مسمی به رموز نجبا جمع آمد. هنوز از مسوده اوراق به ترتیب اطباق نیامده بود که هم‌سالان ساده‌دل و رفیقان دل‌کسل هجوم آور شده، بنای نسخه‌برداری و صورت‌نویسی نهادند. عموم‌الناس به دیدنش راغب و به خواندش طالب گشتند...» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۹۳۲۸: ۸ - ۷).

اسرار این کتاب را در انتقاد به همین سطحی‌نگری‌ها و بی‌تدبیری مردم روزگارش نگاشت و از اینکه راستی سخن آن فرد بر وی آشکار شد و درواقع عوام را چنین غافل و «زنبوروار به دور شیرینی آن زهر هلاهل دایر شده» (همان) می‌بیند، بسیار اندوهگین می‌شود. او می‌نویسد: «... لاکن خودم در پیش نفس خود منفعل و شرمند بودم که چرا باید

مرد با بصیرت، عاقبت‌اندیش نشده، مآل امر را ملاحظه ننموده، مرتکب فعلی و عملی بوده باشد که در آینده از آثار و علامت او هدف سرزنش و شماتت اهل وجد و حال باشد. اگرچه الان بزرگان عصر و اکابر زمان ما طالب کمال و مربی اهل حال نیست؛ لکن از انصاف دور است که از برای دیگران خود را در میان سربلندان، سرافکنده و شرمنده کنی و بلکه در مجمع فصحا از طلقاً شمرده شوی» (همان: ۹ - ۸).

همان‌طور که گفته شد روشن نشدن نوع این تذکره و هدف از نوشتن آن، داوری بعضی از پژوهشگران را تحت تأثیر قرار داد و این موضوع به شگفتی و ابهام انجامید (برای نمونه ر.ک: مجلد، ۱۳۹۱: ۱۹ - ۱۸). بر اسرار خرده گرفته شد که او الفاظ رکیک و عبارات مستهجن شاعران را بی‌هیچ پروا و تغییری نوشته است و ابیاتی پر از دشنام را برای نمونه آورده است و یا اینکه اشعار یک شاعر را برای «اشعار عرفانی مثال آورده، اما مضمون آن اشعار حاوی بنگ‌کشیدن است!» (همان: ۱۹)؛ باید گفت اسرار در مقدمه *بهبه‌الشعرا* و نیز بعضی آثار دیگرش توضیح می‌دهد که گزینش‌های او در این کتاب برای مطایبه بوده است؛ یعنی این اثر به کنایه و برای بزرگ‌نمایی و نیشخند به چاپلوسی‌ها و نظرهای بی‌پایه برخی تذکره‌نویسان نوشته شده است.

او بسیار به سلیقه و پسند اهل زمان خود و بزرگان عصرش خرده می‌گرفت و کتاب را در انتقاد به این بی‌تدبیری‌ها و سخن‌ناشناسی و ناشاعرپروری‌ها نوشت؛ به‌طوری‌که حتی پس از گردآوری تذکره برای چنین نوشته‌هایی خود را سرزنش می‌کند و از طلقاً می‌شمارد. او پیوسته در پی دفاع از انگیزه نوشتن این تذکره است؛ برای مثال توضیح می‌دهد که «نگارنده این کتاب مبارک نه این مجموعه را از برای نمودن عیب کسان درست نموده؛ نه. بلکه بنایش به ارشاد است که نگاه کرده [و] عبرت نمایند» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۸۵۴۰۸: ۱۳۵). او در حدیقه نیز از هر فرصتی برای توضیح و تبیین انگیزه خود بهره می‌برد؛ برای مثال در پاسخ به گروهی که ستیزه‌گری و سرزنش را بنا نهاده‌اند، می‌نویسد: «...گرچه در دیباچه *مرآت‌المذاهب* و *بهبه‌الشعرا* سبب تألیف این دو کتاب [بهبه و حدیقه] را نوشته‌ام، لکن مختصرش این است که این همه از زحمات و مشقات که در تلیف و جمع‌آوری ایشان کشیده‌ام، همگی از جهت تذهب اخلاق هم‌وطنان بود که بلکه رنگ خودپرستی را از آئینه صنوبری ایشان زدوده؛ علایقه عوارضی که به ایشان مستولی شده مثل عکس روبه‌رو دارد تا همگی عیب این همه لفاظی و شاعری که درحقیقت آن را هنر دانسته‌ایم، ملاحظه نماییم...» (همان، نسخه ۲۸۷۹: ۱۱۷).

اسرار در این سخنان، هدف از نگارش تذکره‌اش را آراستن و پاک‌کردن اخلاق هم‌وطنان و نمایش بی‌تدبیری ایشان و نازیبایی علایق آنها، علاقه به هجو و لفاظی و حکایت‌های حیرت‌آور و همواره دور از ادب بیان کرده است. او با بزرگ‌نمایی لفاظی‌ها و شاعرتراشی‌ها و تعریف و ستودن‌های ناب‌جای تذکره‌نویسان معاصرش، آنها را نقد می‌کند و درحقیقت این گروه را در شکل‌گیری این جریان‌ها و رواج سطحی‌نگری عامه و چیره‌شدن این علاقه‌ها گناهکار می‌داند و خواستار شعر و هنر ناب است.

مفیدبودن تذکره و بهره‌بردن اهل دل از آن نیز از نکته‌های درخور توجه اسرار بوده است؛ او در بیان علت ذکر تعدادی از بلندپایگان و پرمایگان در ردیف ژاژخایان، به این موضوع اشاره می‌کند که ذکر این گروه را با آگاهی و برای بهره‌مخاطبان ویژه در تذکره گنجانده و در این باره کوشیده است تا اشعاری از ایشان بیاورد که با سبک و شیوه این مجموعه هم‌خوانی داشته باشد: «اگر کسی عیب‌جو هم باشد که دوسه نفر مرشدی که در پایه رشد و مایه صلاح، بلکه سمت استادی دارند، چرا در این ورقه هم‌رنگ و یکران نموده‌ای و در سلک ژاژخایان شمرده‌ای؛ مثل مولانا فدوی یا

مولانا لعلی یا مولانا فنا که این هرسه مذکور را پایه بلند و مایه ارجمند است که دخل به شعرای این عوالم ندارد؛ عذری که در اینجا دارم دو چیز است؛ اولاً یک نفر صاحب‌دل اگر بدین مبارک نظر کند، لاقلاً یک‌دوسه نفر اهل دل ببیند؛ ثانیاً بعضی از اشعارشان که قریب به سبک [و] سیاق این مجموعه است، زینت و اوراقش نمایم» (همان، نسخه خطی ۸۵۴۰۸: ۱۳۶ - ۱۳۵)

۳- حدیقه‌الشعراى اسرار و ارتباط آن با بهجه‌الشعراى او

اسرار در مقدمه حدیقه‌الشعرا در باب انگیزه تألیف این کتاب می‌نویسد: «میرزا رضاقلی‌خان لاله‌باشی مستخلص به هدایت، تذکره‌ای مسما به مجمع‌الفصحا نوشته... بنای این مجمع مبارک را گذاشته به مقصود اینکه احوالات جمیع سخنوران و دانشمندان عالم را گنجیده [ی] اوراق این مبارکه کرده‌ام؛ لهذا هرکس را قوه ادراک و ذکاوت باشد، خواهد دانست که... استادانی هستند که در هیچ‌یک از تذکره‌ها نام نبرده‌اند؛ بلکه محسنات کلامشان نفهمیده‌اند...» (همان، نسخه ۲۸۷۹: ۴). «... و از شعرای [ی] که در تذکره‌ها نام برده و احوالات و اشعارشان [را] نوشته‌اند، رفع نظر کرده و اکتفا به چند نفر که نامشان محو قلم گشته، ثبت کردیم» (همان: ۸).

اشاره مبهم اسرار در مقدمه بهجه‌الشعرا، ارتباط آن را با حدیقه‌الشعراى او به‌طور آشکار نشان نمی‌دهد؛ در این باره نظرهای متفاوتی ارائه شده است. گویا حدیقه‌الشعرا «انتخابی است از تذکره بهجه‌الشعرا تألیف خود وی» (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۳۸). همین مضمون را مصحح معارف‌العارفین نیز تکرار می‌کند (ر.ک: ایرج‌پور، ۱۳۹۳: ۸۰). البته با دقت در تعداد و نام و شرح حال شاعران در این دو کتاب، می‌توان دریافت که بهجه‌گزیده‌ای از حدیقه است. اسرارعلی‌شاه از خوانندگان می‌خواهد که «در بعضی از اشعار که در احوالات شعرا و اشعارشان مطابق حدیقه‌الشعرا نباشد به نگارنده عیب نگیرند؛ شاید این اشعار آن وقت به نظر نرسیده باشد» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۸۵۴۰۸: ۴)؛ بنابراین این ادعا پذیرفتنی‌تر می‌شود که اسرار منتخبی از یادداشت‌های حدیقه‌الشعرا را برای تألیف تذکره بهجه‌الشعرا تدوین کرده بود.

البته خود اسرار به توجه عمومی و نسخه‌برداری اطرافیان از یادداشت‌هایش اشاره کرده است (همان، نسخه ۹۳۲۸: ۸)؛ اما مهم‌ترین علت ایجاد آشفتگی، گردآوری نسخه‌های متفاوت از این دو کتاب است که نویسنده در زمان‌های مختلف انجام داده است؛ به همین سبب خوانندگان در آثار مختلف او با اشاره‌های متضاد و متفاوتی از خود نویسنده روبرو می‌شوند. افزون‌بر اینها اسرار در این نسخه حدیقه‌الشعرا نیز در پایان بوستان دوم (همان، نسخه ۲۸۷۹: ۱۱۸) توضیح می‌دهد که نسخه اصلی و نخستین کتاب را بدون ملحقات آماده کرده بود؛ اما بدخواهی از روی حسادت، برگه‌هایی از نسخه را پاره می‌کند و او چون «نسخه‌ای علی‌حده نداشته که دوباره مسوده آید» (همان)، بعدها همان اوراق پریشان را جمع‌آوری می‌کند و «به همراه یک‌دو فرد از اشعار» چند نفر دیگر در جایگاه ملحقات به کتاب می‌افزاید؛ البته به این نکته نیز اشاره می‌کند که این افراد برای خودنمایی شعری نوشته و فرستاده‌اند و به اصرار خواسته‌اند در تذکره گنجانده شود؛ بنابراین روشن نیست که اسرار در گردآوری بهجه کدام‌یک از یادداشت‌های خود را در اختیار داشته است.

در این نسخه حدیقه‌الشعرا، شرح حال ۱۵۰ نفر از شاعران در یک مقدمه و دو بوستان و بخش ملحقات گردآوری شده است؛ در هر قسمت ترتیب الفبایی رعایت می‌شود. در بوستان اول ۲۰ شاعر و در بوستان دوم ۶۵ شاعر و در ملحقات نیز ۶۵ شاعر معرفی شده‌اند. بوستان اول ویژه تراجم شاعران فارس و بوستان دوم و ملحقات، ویژه شاعران

ترک است. به‌طور کلی نویسندگان برپایه نام و طرح کلی کتاب، نوعی بخش‌بندی ارائه می‌کنند و سپس در ارائه تراجم، ترتیب الفبایی را به کار می‌برند؛ اما *بهبه الشعرا* اسرار، بخش‌بندی ویژه‌ای ندارد؛ پس از مقدمه، شرح حال شاعران برپایه حروف الفبا تنظیم شده است.^{۱۶} در *بهبه الشعرا*، تراجم ۸۶ شاعر آورده شده است که ۶۳ نفر از بوستان دوم و ۱۲ نفر آنها از ملحقات تذکره *حدیقه الشعرا* او گزینش شده‌اند و ۱۱ شاعر آن نیز در *حدیقه* نیستند.

۴- بررسی *بهبه الشعرا* و تحلیل برداشت‌های نادرست از آن

عنوان‌بندی همواره با محتوا و شکل تذکره ارتباط دارد. اسرارعلی‌شاه نام تذکره‌اش را *بهبه الشعرا*^{۱۷} و *رموز نجبا*^{۱۸} گذاشت (همان، نسخه ۸۵۴۰۸: ۳)؛ زیرا در آن اشعار ۸۶ نفر از شاعران بذله‌گو برای طنز و مطایبه آورده شده است. البته استفاده از واژه‌هایی مانند مجمع، روضه، حدیقه و... که مفهوم مجموعه را برساند نیز برای نام‌گذاری تذکره‌ها استفاده می‌شد؛ وجه تسمیه *حدیقه الشعرا* اسرار به این مفهوم اشاره دارد.

اسرار در تألیف تذکره *بهبه الشعرا* به شاعران سرزمین آذربایجان در عهد قاجار توجه داشت. او به این نکته، افزون بر مقدمه، در جای‌جای تذکره با اصرار تأکید می‌کند؛ به‌ویژه هر جا گمان می‌برد که ممکن است شاعری با شاعران دیگر با تخلص مشابه اشتباه گرفته شود، این نکته را گوشزد می‌کند و نام آن شاعران را نیز می‌آورد؛ برای مثال در ذیل مولانا اسماعیل می‌نویسد: «مخفی نماند هر شاعری که نگارنده کتاب در این مجموعه مبارک نام برده، از شعرای معاصرین ماست؛ بدین معنی که همه اینها در عهد دولت قاجاریه ظهور نموده‌اند و شعرایی که در عهد ماضیه، هم تخلص معاصرین ماست خواهیم نمود» (همان: ۹ - ۸).

هدف اسرار از نگارش تذکره *بهبه الشعرا*، از زبان خودش، نقد طبیعت‌آمیز بعضی از اشعار ترکی سست و ناستوار سخنوران معاصرش است؛ البته اشعاری انگشت‌شمار از این شاعران به فارسی یا عربی نیز آورده است. گفتنی است او در چند جای تذکره هدف خود را از نوشتن *بهبه الشعرا* بیان کرده است و حتی درباره شاعران پرمایه اشاره دارد که از میان اشعار آنان، شعرهای سست و هجوی بیان شده است؛ اما باز منتقدان او را از نظر گزینش‌های شعری به بی‌قیدی متهم کرده‌اند؛ از جمله این نقدها عبارت است از: «الفاظ رکیک و عبارات مستهجن در شعرشان [صاحبان تراجم] زیاد است و مصنف کتاب هم بی‌هیچ ابایی عین الفاظ را نوشته است» (مجدد، ۱۳۹۱: ۱۸)؛ «هفت بیت از قصائدش [درباره افسر اردوبادی] را هم برای نمونه آورده که پر از دشنام است» (همان: ۳)؛ «شعرایی را که اشعار سست و بی‌مزه و ناموزون گفته‌اند، جمع کرده» (نخجوانی، ۱۳۴۳: ۵۰۵). البته این اظهارنظرها درست است؛ اما هدف نویسنده از نظر دور مانده است. در روزگار اسرار، انتقاد به شکل‌های مختلفی است. او در اعتراض به دروغ‌بافی‌ها و لفاظی‌های بی‌پایه بعضی تذکره‌نویسان، مجموعه‌ای از اشعار سست شاعران نمایان روزگار را گرد می‌آورد و آنها را با همان الفاظ بی‌پایه می‌ستاید. او حتی برای بزرگ‌نمایی این زشتی‌ها از شاعران برتر نیز اشعاری سست و هجوی برمی‌گزیند؛ برای مثال درباره همین مورد پیشین می‌گوید: «مولانا [افسر را] غزلیات آبدار [و] قصاید دُرربار بسیار است؛ لکن چند بیت از باب مطایبه ثبت شود» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۸۵۴۰۸: ۱۱). محمدکاظم تبریزی تألیفات بسیاری به نظم و نثر در زمینه‌های تاریخ، منقبت، مذاهب، عجایب، عرفان و... دارد (رک: ایرج‌پور، ۱۳۹۳: ۸۱ - ۷۹)؛ (حسینی، ۱۳۶۲، ج ۱۰: ۸۶ - ۸۰). منظومه‌هایی مانند *سرو و گل* به تقلید از *خسرو و شیرین* نظامی، *میر اسرار* با حدود شش هزار بیت در منقبت علی^(ع)، *اسرارالبکاء* به پیروی از *شاهنامه*، *شمس‌الهدایه*، *احکام دین*، *شیخ صنعان*، *دیوان اشعاری* مشتمل بر بیست و پنج هزار

بیت و نیز شرح دیوان انوری ابیوردی و... گویای این است که اسرارعلی شاه شعرآشنا و در نویسندگی زبردست بوده است.

انشای اسرارعلی شاه در بهجه‌الشعرا قوی و روان است و از طبع روان نویسنده نشان دارد و دیگر آنکه او دستی در نظم و نثر داشته است. اسرار تذکره را برای معرفی اشعار ترکی شاعران آذربایجان گردآوری کرده است؛ اما خود به اقتضای کلام از اشعار فارسی برای گفتارش شاهد می‌آورد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که در دیوان‌های شاعران فارسی‌گو دقت و مطالعه بسیار داشته است.^{۲۰} او در سراسر کتابش هر جا شرح حالی می‌نویسد،^{۲۱} از توصیف‌های مبالغه‌آمیز و همراه با اغراق بهره می‌برد؛ بنابراین استناد به نظرهای او درباره بیشتر شاعران و قوت اشعار آنها باید بررسی شود؛ زیرا هدف اسرار از نگارش تذکره‌اش طنز و مطایبه بوده است و بیشتر شاعران را به سُخره، برترین و کامل‌ترین و داناترین و... می‌خواند و حتی آنان را باطل‌کننده پیشگامان و متأخرین و جواب‌گوی بزرگانی مانند حافظ و سعدی و... می‌داند!

باتوجه به شباهت تخلص‌های شاعران، درهم شدن شاعران مختلف با یک تخلص در تذکره‌ها گریزناپذیر بوده است. بعضی از گردآورندگان تذکره‌ها از شواهدی مانند شرایط تاریخی و شواهد شعری و یا دانش سبک‌شناسی خود کمک گرفته‌اند تا دست‌کم شاعری را با شاعر دیگر درنیامیزند و هر جا لازم بوده است توضیحاتی نیز در این باره بیان کرده‌اند. گفتنی است حتی در بهجه‌الشعرا که تذکره‌ای طنزگونه است به این موضوع بسیار پرداخته شده است؛ شاید از این‌گونه توضیحات اسرار بیم سُخره و پوچ‌گویی برود؛ اما باز هم توجه او را نشان می‌دهد. او درباره مولانا اسماعیل می‌گوید نباید با اسماعیل کمال شاعر قرن هفتم - مغولان او را در اصفهان به قتل رساندند - اشتباه شود (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۸۵۴۰۸: ۹). اسرار درباره مولانا بلبل می‌نویسد: «مخفی نماند که مولانا بلبل سوای از بلبل هندی است که در زمان اکبرشاه گرکانی معاصر طوطی هندی بود» (همان: ۱۹). همچنین ذیل مولانا فیض توضیح می‌دهد که «مجملاً در معاصر ما سه نفر از شعرا ظهور و تجلا نمود که تخلصشان بنا به تقریب در یک حکم است. یکی فیض» که اهل دربند است و «جز دو سه رباعی که در دیباچه کنزالمصاب در توصیف مولانا قمری نوشته، از طرز اشعار او ندیده‌ام» و شاعر دیگر فیض که غیر اسم «از او هم اطلاع ندارم» (همان: ۱۴۵) و سپس از فیض و سرعت فهم و نیکویی طبع وی می‌نویسد.

محمدکاظم تبریزی افزون بر توصیف‌های مبالغه‌آمیز پراکنده در همه کتاب، بر نظرهای بی‌تحقیق و بی‌پایه و قضاوت‌های متضاد بعضی تذکره‌نویسان درباره شاعران نیز می‌تازد و ذیل تراجم چند تن از شعرا آشکارا این‌گونه قضاوت‌ها را به ریشخند می‌گیرد؛ برای مثال درباره مولانا اسماعیل می‌گوید: «به غیر از اسمی و چند بیت از اشعارش» نشنیده است؛ اما بلافاصله آشکارا چند سطر درباره او سخن می‌گوید که «شاعری بود فصیح‌زبان [و] عارفی بود ملیح‌بیان» که «از ملاحظه کلامش توان فهمید که در دایره معرفت بی‌مثل و بی‌بدیل خواهد بود و بر همه علوم دارا و مسلط... در علوم متعدد گوی سبقت از همگان در ربوده است!» (همان: ۸). او همچنین ادعا می‌کند که مولانا جودی در مصیبت و روضه‌خوانی، غزلیات سعدی و حافظ و دیگران را چنان با مناسبت می‌آورده است که گویی ایشان غزلیاتشان را ویژه روضه‌خوانی سروده‌اند؛ اما ابیاتی که مثال می‌آورد، به‌طور کامل خلاف این سخن را ثابت می‌کند (ر.ک: همان: ۳۳ - ۳۱).

ناگفته نماند که تذکره اسرار انتقادی و ریشخندی است؛ اما مخاطب خود را از دریافت برخی اطلاعات بی‌بهره نمی‌گذارد. نویسندگان تذکره‌ها همواره در ضمن شرح حال شاعران به آثار و تألیفات و دیوان‌های شعری ایشان نیز اشاره می‌کنند و حتی از کتاب‌ها و آثار دیگر خودشان نیز نام می‌برند. ارائه این اطلاعات، خدمت مهمی به

تاریخ ادبیات نویسی است. نویسنده تذکره *بهبه الشعر* ذیل مولانا طالب محزون، مولانا غم دل، مولانا مضطر و چند تن دیگر، از دیوان‌ها و آثار آنان نیز یاد کرده است (ر.ک: همان: ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۶۶ و...). همچنین آنگاه که سفرهای مولانا لعلی و ملاقات‌های او را شرح می‌دهد، به کتاب خود اشاره می‌کند و می‌نویسد: «شرح همه آنها را در *روضه الحکما* نوشته‌ام» (همان: ۱۶۱).

همواره تذکره‌ها منبع دریافت برخی اطلاعات اجتماعی، علمی، ادبی و... هستند. تذکره مطایبه‌ای اسرار از بیماری همه‌گیر وبا در حدود سال‌های ۱۲۶۴ هجری خبر می‌دهد (همان: ۱۹۸) و به ترجمه ترکی *نصاب الصبیان* ابونصر فراهی از مولانا مضطر^{۲۲} به نام *مشوق صبیان* اشاره می‌کند (همان: ۱۶۸). در سراسر تذکره *بهبه الشعر* گزارش‌ها و حکایاتی است که برخی اطلاعات اجتماعی را از میان آنها می‌توان دریافت؛ مانند رواج رفتار ناپسند و آفت اجتماعی شاهدبازی که نویسنده بی‌پرده از آنها گزارش می‌دهد (همان: ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۵۰ و...); نمونه‌های دیگری از این نوع نیز در این اثر مشاهده می‌شود.

۵- معرفی نسخه‌ها

۱-۵ حدیقه الشعر

الف) در جلد اول تاریخ *تذکره‌های فارسی نسخه‌ای از حدیقه الشعر* نام برده شده است. این نسخه نوشته شده در قرن سیزدهم هجری، در تبریز و متعلق به کتابخانه خصوصی جناب حاج حسین نخجوانی است^{۲۳} (ر.ک: گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۳۸); گلچین معانی به استناد سخنان اقبال آشتیانی در *مجله یادگار* (۱۳۲۸: ۱۴۲ - ۱۴۱) از آن نام برده است.^{۲۴}

ب) نسخه شماره ۲۸۷۹ که با کد ۳۰۶۰۷۴۲ در گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تهران نگهداری می‌شود. محمدجعفر این نسخه را در تاریخ ۱۳۰۹ هجری قمری بر کاغذ فرنگی و به خط نستعلیق خوش نوشت. این اثر ۷۱ برگ ۱۴ سطری و جلد چرمی دارد.

گویا نویسنده تاریخ *تذکره‌های فارسی از نسخه کتابخانه ملی آگاهی نداشته*؛ زیرا نامی از آن نیاورده است. این نسخه با خط نستعلیق خوب و خوانایی نوشته شده و نسخه کاملی است؛ به همین سبب در ادامه معرفی می‌شود. اسم شاعرانی که شرح حال آنها در این تذکره آمده است، برای استفاده پژوهشگران، به‌ویژه در حوزه تاریخ ادبیات عصر قاجار، در ادامه بیان می‌شود.

بوستان اول: اصطبللی، اصغر، آزرمی، باخرزی، تموزی، تونی، جانی، حیوتی، حلالی، خلوری، خموشی، دل‌غم، داغدار، رزمی، سبزی، شمشاد، صنوبری، صبوری، کفری، مؤبد.

بوستان دوم (ذکر شعرای ترک): آتشی، اسماعیل، اشکریز، اعمی، افسر، باقر، پرغم، پروانه، تالاندی، توپچی، ثاقب، جبار، جوری، حسن سرابی، حقیر، حلیم هروی، خلیفه، خیام، بلبل، دلریش، دلسوز، دلگیر، ذکری، راجی، رضا، زاهد، ساعد، ساقی، سرمست، سلطان، سمطوری، سید محسن نقاش، شاکر، شاهباز، شایق، شکوهی، شیدا، صابری، صبوری، ضیاء، طالب، محزون، طغرا، طلوعی، طهوری، عبقری، غشی، غم‌دل، فاخر، فارغ، فنا، قمری، کاشف، کفاش، لطف، معلی، مجمر، مظلوم، مفطر، ملاکریم، میر، ناجی، ناطق، نباتی، یوسف.

ملحقات (باقی شاعران ترک): آقاجان ارشاد، اشتیاق، حکیم‌الهی، بزمی، بلبل، بی‌سواد، بی‌نوا، تراب، تشنه، تمکین،

ثابت، حاجی آقا حکاک، حیرانعلی، حیرتی، دلخون، دیوانه، ذلیل، ذکری، راضی، راغب، ربیعی، رسمی، رفیع، رموز، رونق، زینق، سری، سگری، ساقی، شاه‌مردان، شگری، شمسی، صابری، صادق، صفا، طراز، طوطی، عبدالله، عطار، عبدی، فیض، فایق، فروغی، فیض، قدسی، قصاب، قدسی بادکوبه، گلشن، گنجی، مجروح، مجنون، مبهوت، محیی، محمد، مخلص، مؤبد، ملا، مهجور، منشی، موج، ناجی، ناظم، ناصر، ناصح، واقف.

۵-۲ بهجه‌الشعرا

الف) نسخه شماره ۱۵۶۹ کتابخانه مرکزی تبریز از مجموعه اهدایی جناب حاج حسین نخجوانی است. ب) نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ثبت ۸۵۴۰۸ و شماره قفسه ۹۱۷۴ است. حسن حسینی در تاریخ دهم صفر ۱۲۹۹ آن را نوشته است. این نسخه در ۲۰۲ صفحه بدون حاشیه با نستعلیق کمابیش بدخط و مغلوط ۱۲ سطری نگارش یافته و مهور به مهر کتابخانه جعفر سلطان‌القرایی است.

برخی ویژگی‌ها و شیوه نگارش این نسخه عبارت است از: پیوند نشانه مفعول به واژه قبل مانند طوطی ناطقه انسانیرا؛ پیوند حرف اضافه به متمم آن مانند بنظر؛ کاربرد تایی گرد عربی مانند تربیه‌اش؛ ساخت و کاربرد واژگان و ترکیبات خاص مانند «قلمی گردید» در معنای نوشته شد؛ حذف واو معدوله مانند خاسته/خواست، خواهد/خواهد؛ کاربرد مخفف واژه‌ها مانند «اس»^{۲۵} که گویا مخفف اسرار است؛ حذف افعال بدون قرینه؛ شروع تراجم با واژه «مولانا» قبل از نام یا تخلص شاعر؛ کاربرد واژه‌های ترکی و حتی کلمات و اشعار عربی؛^{۲۶} تأثیرپذیری از صرف و نحو عربی و کاربرد عبارات و جملات عربی که به‌ویژه در مقدمه بسامد بسیاری دارد؛ مانند مفردۀ حیات، کمالات عالیہ، سلسله علیہ، من‌باب، محاذات، مسود، اعنی، مستتر، داعی، مغفور، امعان، دیباجه (معرب دیباجه فارسی)،^{۲۷} بلانتها، احبا، نعم ما قیل، اما بعد.

در پایان، در توضیح غلط‌های املائی نسخه بهجه‌الشعرا مانند خاندن/خواندن، سبط/ثبت، خواهد/خواهد، تواضع/تواضع، خورد/خرد و... باید گفت برپایه آثار منظوم و منثور محمدکاظم تبریزی به فارسی در زمینه‌های تاریخ، منقبت، مذاهب، عجایب، عرفان و... (ر.ک: ایرج‌پور، ۱۳۹۳: ۸۱ - ۷۹)؛ (حسینی، ۱۳۶۲، ج ۱۰: ۸۶ - ۸۰) می‌توان دریافت با وجود آثار فراوان اسرار به زبان فارسی، خط و نگارش او خوب نبوده است و املائی نادرست واژه‌ها شاید به نویسنده اثر بازمی‌گردد. البته نادرستی‌های املائی در این نسخه حدیقه‌الشعرا کمتر است؛ اما رونویسی نادرست و بدخوانی و بدفهمی کاتب به آن افزوده شده است.

۶- نتیجه‌گیری

بعضی از گردآورندگان تذکره‌ها برای سرگرمی و یا با هدف انتقاد و به‌سخره‌گرفتن شیوه ناپسند و رایج تذکره‌نویسی و نیشخند شاعرنمایان بی‌مایه، تذکره‌هایی با لحن طنز نوشته‌اند^{۲۸} و این‌گونه جریان تذکره‌نویسی معاصر خود را نقد کرده‌اند؛ اما همواره این انگیزه‌ها از دید بسیاری از پژوهشگران به دور مانده است. بهجه‌الشعرا اسرارعلی‌شاه یکی از تذکره‌هایی است که به سبب این ناآگاهی‌ها به بی‌مهری و داوری نادرست مخاطبانش دچار شده است. در این پژوهش با معرفی اسرار و بهجه‌الشعرا و حدیقه‌الشعرا او، این رویکرد انتقادی - مطایبه‌ای بهجه و نیز جریان نوشتن آن بررسی شد. اسرار تذکره‌ای ذیل مجمع‌الفصحای رضاقلی‌خان هدایت به نام حدیقه‌الشعرا نوشت که در بردارنده شاعرانی است که در مجمع‌الفصحای و سایر تذکره‌ها نامی از آنها نیامده است. او به پیروی از میرزا محمدعلی مذهب و باتوجه‌به شرایط روزگار خود و پذیرش عوام، نظیره‌ای بر یخچالیه می‌نگارد. اسرار با هدف انتقاد از بعضی اشعار سست سخنوران روزگار

خود و اعتراض به ستایش‌های بی‌پایه تذکره‌نویسان از این‌گونه اشعار، گزینشی از یادداشت‌های خود فراهم می‌کند و آن را با قلم هجو و مزاح و حکایات و افسانه‌هایی عجیب و شگفت‌آور می‌آراید. او این اثر را *بهبه‌الشعرا* و *رموز نجبا* نام می‌نهد. اسرار در هریک از آثار متعدد خود از بی‌تدبیری و سطحی‌نگری عوام شکایت می‌کند؛ او شعرناشناسی و لفاظی‌های بی‌پایه و داوری‌های بی‌تحقیق تذکره‌نویسان را در شکل‌گیری این باورها مؤثر می‌داند و از آن انتقاد می‌کند. اسرار تذکره‌مطایبه‌ای *بهبه‌الشعرا* را در انتقاد و نیشخند به این بی‌تدبیری عوام و نیز شیوه ناپسند تذکره‌نویسی نگاشته است. بنابراین با روشن شدن هدف نویسنده، شایسته نیست که خوانندگان، این تذکره اسرار را به سبب کاربرد واژه‌های رکیک و یا تراجم‌نویسی از ناشاعران و یا لفاظی و ستایش از شعرهای ناخوب و...^{۲۹} سرزنش کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عملی نابایسته و قضاوتی ناعادلانه است که تذکره‌نویسان یک دوره، برای مثال تذکره‌نویسان دوره‌ای در زمان صفوی، انکار شوند؛ فقط به جرم اینکه شعرهای ناخوب [!] و ناشاعرانی [!] را در تذکره‌های خود آورده‌اند که برای سرگرمی چند بیتی نگاشته‌اند و یا اینکه به آنان بتازند به این سبب که با معرفی افراد و بیان اتفاقات بی‌اهمیت حجم تذکره‌های خود را افزایش داده‌اند. تذکره‌نویسان با فراهم کردن داده‌ها و مواد نخستین محققان، بر جامعه ادبی پس از خود حق دارند. این گروه که برخی آنان را صاحبان تذکره‌های بزرگ و نویسندگان ماجراهای بی‌اهمیت می‌دانند، تذکره‌های انتقادی و اصلاح‌شده و پیراسته‌ای نوشته‌اند؛ اما داده‌های خامی از اطلاعات عصرشان ثبت کرده‌اند که هریک شاید بتواند آغاز جریانی، سبکی یا نوعی تازه باشد. مورخان عصر کنونی نیز ریشه هر نوآوری و تغییر امروز را در جرعه‌های کم‌سوی گذشته می‌جویند که جسته‌گریخته اینجا و آنجا نمودی کرده و شاید خاموش شده‌اند. آنها می‌دانند که بررسی همه‌جانبه و قضاوت درست وقتی صورت می‌گیرد که افزون‌بر افراد و جریان‌های ادبی بزرگ، به هر حرکت بیرون از این جریان‌ها و حتی مخالف با آنها نیز توجه شود. آشکار است که داوری درباره شاعران و نویسندگان نوپرداز و یا یک سبک نوپا و نوبنیاد که هنوز بنیه آن شکل نیافته است، کار آسانی نیست. این موضوع حتی درباره مورخان ادبی بزرگ کنونی و پرداختن به جریان‌های ادبی روز دوره آنان کم دیده شده و بسیار احتیاط‌آمیز است. پس باید با ثبت و ضبط دقیق جزئیات ادبی هر دوره، مسیر داوری آیندگان درباره آن دوره روشن‌تر شود.

۲. یکی از عوامل اصلی رشد تذکره‌نویسی در این عصر، علاقه بسیار پادشاهان قاجار، به‌ویژه فتح‌علی‌شاه، به شعر و مسایل ادبی و جاودانه کردن نام خود در جایگاه حمایت‌کننده فرهنگ و ادب بود. فتح‌علی‌شاه خود نیز شاعر بود و خاقان تخلص می‌کرد. او در پی آن بود تا گذشته پرشکوه تاریخ ادب فارسی و رونق ادبی و فرهنگی دربار قاجار را مانند دربار محمود غزنوی دوباره زنده کند. به همین سبب در دوران فتح‌علی‌شاه و نوادگان او، توجه به شاعران و نویسندگان و شعر و ادب یکی از مسایل مهم دربار بود (فتح‌علی‌شاه قاجار، ۱۳۷۰: ۳۲).

۳. تذکره‌های فارسی از نظر اصالت و سند دو دسته‌اند (ر.ک: شفیع‌یون، ۱۳۹۳ الف: ۹۵)؛ دسته اول تذکره‌های تحقیقی هستند که نویسندگان آنها در ثبت و ضبط مطالب به مستندسازی و تحقیق می‌پردازند و شرح حال معاصران را تا حد امکان از خود آنها می‌گیرند؛ اما در دسته دوم، نویسندگان همواره شیفته لفاظی و افسانه‌سازی هستند و به رونویسی از تذکره‌های دیگر می‌پردازند. البته باید توجه کرد که آنچه تذکره‌نویسان هر دوره درباره فضای هنری عصر خود بیان می‌کنند، به واقعیت نزدیک است. بررسی نوشته‌های این افراد و اطلاعات پراکنده و البته مستند آنها، در شناخت فضای ادبی و هنری که در آن زیسته‌اند، بسیار راه‌گشاست. نویسندگان برخی از تذکره‌های تحقیقی و اصیل با دیوان‌ها یا خود صاحبان تراجم رویارویی مستقیم و چهره‌به‌چهره داشته‌اند و می‌توان از این تذکره‌ها برای نسخه‌بدلی از اشعار آنها بهره برد (ر.ک: شفیع‌یون، ۱۳۹۳ ب: ۱۱۲)؛ (سالمیان و یاری، ۱۳۹۱: ۷۱).

۴. این جریان اندک‌اندک تذکره‌نویسی را به تاریخ ادبیات‌نویسی، یعنی بررسی سیر تکامل ادبیات و دگرگونی آن، نزدیک کرد.

۵. در لغت به معنی مخالف و معادل واژه فرنگی پارودی (Parody) است (اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۱۱ و ۱۷). نظیره طنزآمیز را نقیضه گویند که می‌تواند به‌طور کامل هم‌سو و منطبق با نقد باشد. نقیضه‌سازان با اهدافی مانند استهزا و هزل و سرگرمی و یا انتقاد اجتماعی به نقیضه‌سازی آثار می‌پردازند (همان: ۱۲۱ - ۱۱۶).

۶. از جمله: (۱) کسب نام و آوازه؛ (۲) سرگرمی و لذت‌بردن ادبی؛ از مهم‌ترین اهداف تذکره‌نگاری ایجاد اثری برای سرگرمی و لذت‌بردن ادبی بوده است. صاحب تذکره آتشکده (آذر بیگدلی، ۱۳۷۴: ۴) سبب نوشتن تذکره‌اش را لذت ادبی و نویسنده بیان‌المحمود (محمود میرزا قاجار، نسخه خطی دانشگاه تبریز) هدف خود را سرگرمی‌های ادبی و مشاعره بیان کرده‌اند؛ (۳) ثبت زندگی و اشعار دوستان؛ (۴) یادکرد و ثبت نام و آثار رفتگان (دوستان سفر کرده و مهاجر یا آنها که به دیار باقی شتافته‌اند)؛ (۵) زدودن دردها و خستگی‌های روحی، به‌ویژه در غربت؛ (۶) پاسخگویی به درخواست شاهان و امیران برای نوشتن تذکره؛ (۷) ارادت به یک فرقه یا گروه ویژه؛ (۸) رقابت با تذکره‌نویسان و جوابگویی به آنها؛ (۹) تقلید و آزمایش و نمایش توانایی خود در نگارش؛ (۱۰) طرح یک موضوع یا نوع ادبی محبوب نویسنده؛ (۱۱) نقد و جستجوی ادبی؛ برای مثال انگیزه واله داغستانی از نوشتن ریاض‌الشعرا فقط ضبط احوال و زنده نگاه‌داشتن نام گذشتگان و گردآوری اسامی موزونان معاصر نبوده است؛ بلکه او بر آن بوده است که تذکره‌اش به گفته خودش بر جستجو استوار باشد و از جنبه‌های مختلف برای طالبان فضل و هنر مفید باشد. او هدف اصلی نوشتن تذکره خود را «تبیین مراتب سخن و تنبیه بیگانگان فن تذکره‌نویسی» (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۶۰۶) بیان کرده است؛ (۱۲) انتقاد و هجو و مطایبه و تمسخر.

۷. او در سنین جوانی، فرهنگ تخلص کرده است؛ البته بعضی منابع برخلاف این موضوع را نقل کرده‌اند (ر.ک: زیاری و فشارکی، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

۸. نام کتاب‌های انتقادی به‌گونه‌ای بوده است که مخاطب به هنگام خواندن نام کتاب شگفت‌زده می‌شود (نوشاهی، ۱۳۶۹: ۹۶). عنوان ابتکاری یخچالیه برای کتاب، قرینه آشکاری بر نقیضه‌بودن آن است که در کمال لطف و شوخ‌طبعی گزینش شده است؛ البته بهجه‌الشعرا اسرار و نظیره‌های دیگر یخچالیه از این مزه خالی است.

۹. این حالت نقیضی از همان عنوان کتاب مشاهده می‌شود. بهار تذکره‌ای جدی به نام تذکره مدایح‌المعتمدیه نوشته است. این اثر دربردارنده مدایح و مختصری از زندگانی شاعرانی است که منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (۱۲۶۳ - ۱۲۰۰ ق) را ستوده‌اند و البته اشعار جدی نیز داشته است (زیاری و فشارکی، ۱۳۹۲: ۱۶۱ - ۱۶۰). او در یخچالیه خود، «در نظم و نثر، کارکی خواندنی و کمابیش ماندنی کرده» (اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۱۴۵) است. بهار «در تذکره پارودیک خود، شیوه نامرضیه تذکره‌نویسی و کار تذکره‌نویسان فارسی را به مسخره گرفته است و الحق بعضی قطعات آن در نهایت لطف هزل و ملاحظت است و حاکی از ذوق سلیم و قوت قریحه هزلی نویسنده» (همان).

۱۰. شادروان محمد محیط طباطبایی بیان می‌کند که نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید در شرح حال‌ها به کسی نظر ندارد و شاعران معرفی شده در یخچالیه، «مجهول خیالیه» (مذهب اصفهانی، ۱۳۲۱: ۲۳) هستند؛ اما چنان‌که پدر ایشان از سخنوران سال‌های پیش اصفهان نقل کرده‌اند، هر ترجمه‌ای مربوط به یکی از معاصرین اوست و تا آن زمان هنوز نکته‌سنجان اصفهان می‌توانسته‌اند برخی از تراجم احوال را درست با اسم و رسم یکی از معاصرین او تطبیق دهند (همان: ح)؛ همان‌طور که با وجود نظر بعضی محققان (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۶: ۸۰)، (همان، ۱۳۲۸: ۱۴۲)، صاحبان تراجم در تذکره‌های اسرار ساختگی نیستند (ر.ک: رنجبری حیدرباغی، ۱۳۹۴: ۳۴).

۱۱. خود او در زندگی‌نامه خودنوشتی که در پایان معارف‌العارفین آورده است، می‌گوید: «فقیر کاظم بن میرزا محمد تبریزی در ششم ماه مبارک ذیقعد الحرام در سال هزار و دویست و شصت و پنج هجری... در دارالسلطنه تبریز فرح‌انگیز از بیدای عدم به فضای وجود قدم نهاد» (اسرار علی‌شاه، نسخه ۳۶۸۹: ۳۱۴). تاریخ تولد او در منابع دیگری مانند حدیقه‌الشعرا (اسرار علی‌شاه، نسخه ۲۸۷۹: ۱۱۴) و روی جلد منظرالاولیا (محدث، ۱۳۸۸) نیز ۱۲۶۵ قمری ثبت شده است. البته باز خود او در مرآت‌المذاهب چنین می‌نویسد: «بر ضمایر صافیه اهل عرفان و اصحاب بصیرت و ایقان پوشیده نخواهد ماند که تراب اقدام اهل ارادت و گرد

- راه صاحبان محبت اعنی اسرارعلی تبریزی از مبداء و ابتدای سال هزار و دویست و هشتاد و دو که سمند تیزکام زندگانی به منزل پانزدهم عمر رسیده بود...» (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۹۳۲۸: مقدمه)؛ این سخنان سال تولد او را ۱۲۶۷ هجری نشان می‌دهند [!]
۱۲. تاریخ وفات او برپایه روی جلد *منظرالاولیا* (محدث، ۱۳۸۸) و نیز (درایتی، ۱۳۹۱: ۱۲/ ۸۴۹ و ۲۳/ ۹۷۷ و...) و (همان، ۱۳۸۹: ۴/ ۵۸۵ و ۷/ ۱۱۳۴ و ۱۰/ ۲۳۷ و...) بیان شده است. با توجه به نوشته‌های محمدکاظم تبریزی مانند *مرآت‌المذاهب* (تألیف حدود ۱۳۰۳) و *معارف‌العارفین* (تألیف ۱۳۰۶) و... (ر.ک: ایرج‌پور، ۱۳۹۳: ۸۱-۷۹)؛ (نیز نسخ ذکر شده که تاریخ نوشتن آخرین نوشته او را سال ۱۳۰۹ ذکر کرده‌اند)، این تاریخ پذیرفتنی است. بعضی وفات وی را ۱۲۹۹ هجری دانسته‌اند (زیاری و فشارکی، ۱۳۹۲: ۱۶۳) که پذیرفتنی نیست.
۱۳. اسرار چنان تحت تأثیر حب و بغض‌ها و غرض‌ورزی‌های اطرافیان آزار می‌بیند که *کنز‌الغرائب* و *بحرالعجائب* را، دربردارنده داستان‌های تاریخی غریب و صنایع عجیب، در جواب ایشان و به‌ویژه پسر عموی خود می‌نگارد که سخنان او را دروغ می‌پنداشت و همه‌جا بازگو می‌کرد (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۰۵۷۳۸).
۱۴. به نقل از (همان، نسخه ۸۵۴۰۸: ۳). آقای گلچین معانی (۱۳۶۳، ج ۱: ۴۳۸) به اشتباه تاریخ ۱۲۹۵ هجری را ثبت کرده‌اند.
۱۵. این تاریخ در مقدمه *مرآت‌المذاهب* (همان، نسخه ۹۳۲۸: ۶) ۱۲۹۹ هجری ثبت شده است. درباره رباعی ماده تاریخ نوشتن این تذکره (همان، نسخه ۸۵۴۰۸: ۳) آورده‌اند که این رباعی رساننده سال نگارش اثر نیست و «شاید این هم از مسخرگی‌های خود مؤلف باشد» (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۳۱). (با کمی چشم‌پوشی شاید بتوان بخش «که بهجت کاشف اسرار»، از مصراع دوم را برای ماده تاریخ در نظر گرفت که آن هم ۱۲۹۸ می‌شود!)
۱۶. بررسی نسخه موجود نشان می‌دهد که نویسنده به‌جز حرف اول تخلص یا نام شاعر، در رعایت حروف بعدی مقید نبوده است به طوری که «طلوعی» را قبل از «طالب» و «ساعی» را بعد از «سروری» و «سکری» و... آورده است و البته به همین نیز پای‌بند نبوده و برای مثال «پروانه» را قبل از «بی‌نوا» ثبت کرده است. این مسئله در حدیقه کاربرد کمتری دارد. او در هر دو کتاب گاه اسم و گاه تخلص شاعر را در ترتیب الفبایی وارد می‌کند؛ برای مثال «حسن سرابی» را در ردیف «حلیم» و «حقیر» در حرف ح آورده است.
۱۷. به شکل «بهبه‌الشعرا» نیز ثبت شده است (ر.ک: اسرار تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۵).
۱۸. این واژه در نسخه کنونی خوانا نیست و «سرور ندبا» خوانده می‌شود. این ثبت از *مرآت‌المذاهب* (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۹۳۲۸: ۸) انتخاب شده است. در *حدیقه‌الشعرا* (همان، نسخه ۲۸۷۹: ۱۱۶) و نیز *رموز نجبا* «فی مضحکه» آمده و جالب است که جدا از *بهبه‌الشعرا* ذکر شده است.
۱۹. دکتر مجد (۱۳۹۱: ۲) ۸۳ نوشته‌اند؛ هرچند خود ایشان نام ۸۵ نفر را همراه با توضیحاتی ثبت کرده‌اند!
۲۰. گویا او یا نخواست به اشعار ترکی استناد کند و یا مضامین منظورش را در ابیات ترکی نیافته است (همان: ۱۸).
۲۱. جز در نمونه‌هایی انگشت‌شمار از جمله مولانا صفا که بیشتر اشعارش را سخنان بی‌پایه دانسته (اسرارعلی‌شاه، نسخه ۸۵۴۰۸: ۱۱۴) و مولانا شهباز که از فقر او و ناآشنایی‌اش با علم قافیه گفته است (همان: ۱۰۹).
۲۲. بعضی «مضطر» را «مظفر» (مجد، ۱۳۹۱: ۱۹) و «نصاب‌الصبيان» را «لغات‌الصبيان» (همان: ۱۶) ثبت کرده‌اند.
۲۳. این نسخه با کد ۱۶۴۹، به‌تازگی به کتابخانه مرکزی تبریز اهدا شده است.
۲۴. ایشان در نقل مطالب این مجله بسیار به‌جا، اشتباه‌بودن نسبت کتاب به حاجی‌کاظم کوره‌پز را یادآوری کرده‌اند.
۲۵. گفتنی است این واژه هم در مقدمه و هم پایان نسخه، نشان حک و اصلاح دارد. شاید این مسئله با محتوای انتقادی و هجوی تذکره بی‌ارتباط نباشد؛ زیرا نگارش تذکره انتقادی از معاصرین در هر دوره خواه‌ناخواه پیامدهایی از نوع دشمنی و حب و بغض نویسندگان و هواداران‌شان داشته است. این موضوع در باب مؤلف *یخچالیه* نیز مشاهده می‌شود (ر.ک: مذهب اصفهانی، ۱۳۲۱: ۲).
۲۶. افزون‌بر نقل شواهد شعر ترکی - با توجه به اینکه هدف اسرار معرفی اشعار ترکی شاعران آذربایجان بوده است - قلم

- اسرارعلی‌شاه در مقدمه و شرح حال‌ها، از کاربرد کلمات ترکی و حتی واژه‌ها و اشعار عربی به دور نیست.
۲۷. البته باید توجه کرد که همواره در نسخه‌های خطی قدیم و حتی دست‌نویس‌های متأخر، دقت در نقطه‌گذاری حروف مرسوم نبوده است.
۲۸. برای نمونه، تذکره نقیضه‌ای یخچالیه، نه تنها در عنوان خود، بلکه در محتوا، با اسم‌های خیالی و محتوای بی‌ارزش، تذکره آتشکده و نیز گروهی از شاعران مشهور را به ریشخند گرفته است. «عجب آن است که بعضی از فضلا آن را کاری جدی و از قبیل تذکره‌های جدی و معمول پنداشته‌اند» (اخوان ثالث، ۱۳۷۴: ۱۴۵).
۲۹. ر.ک: مجلد، ۱۳۹۱: ۱۹ - ۱۸؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۲۸: ۱۴۲ - ۱۴۱؛ نخجوانی، ۱۳۴۳: ۵۰۵ و نیز اسرار تبریزی، ۱۳۹۳: مقدمه.

منابع

- ۱- آذر بیگدلی، لطف‌علی بیگ (۱۳۷۴). آتشکده، تصحیح سید جعفر شهیدی، تهران: امیرکبیر.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۴). نقیضه و نقیضه‌سازان، به کوشش ولی‌الله درودیان، تهران: زمستان.
- ۳- اسرارعلی‌شاه تبریزی، محمدکاظم، بهجه‌الشعرا، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۸۵۴۰۸، شماره قفسه ۹۱۷۴، به نوشته حسن حسینی در تاریخ دهم صفر ۱۲۹۹ هجری قمری.
- ۴- ----- حدیقه‌الشعرا، نسخه شماره ۲۸۷۹، کد ۳۰۶۰۷۴۲ در گنجینه نسخ خطی کتابخانه ملی تهران، به نوشته محمدجعفر در تاریخ ۱۳۰۹ هجری قمری.
- ۵- ----- (۱۳۹۳). حدیقه‌الشعرا، با مقدمه و تصحیح حسین محمدزاده صدیق، تهران: تک‌درخت.
- ۶- ----- (۱۳۸۸). منظرالاولیا، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: مجلس.
- ۷- -----، کنز‌الغرائب و بحرالعجائب، نسخه خطی شماره ۰۵۷۳۸، نگارش ۱۳۰۳ هجری قمری، نوشته شده در تاریخ نوزدهم صفر ۱۳۰۶ هجری قمری، متعلق به مجمع ذخایر اسلامی (کدنا).
- ۸- -----، مرآت‌المذاهب، نسخه خطی شماره ۹۳۲۸، با شماره ثبت ۱۲۰۳۶/۸۵۵۶۶، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۹- ----- (۱۳۹۲). مرآت‌المذاهب، به تصحیح سید حیدر میرحلی، جشن‌نامه استاد سید احمد اشکوری (به کوشش رسول جعفریان)، تهران: علم، ۱۰۹۵ - ۱۰۰۵.
- ۱۰- -----، معارف‌العارفین، نسخه خطی شماره ۳۶۸۹، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۱- اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۶). «تذکره»، دانشنامه ادب فارسی، جلد دوم، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۳۳۰ - ۳۲۹.
- ۱۲- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۸). «بعضی از نوادر و شعرای دوره قاجاریه»، مجله یادگار، جلد پنجم، سال پنجم، شماره هشتم و نهم، ۱۴۷ - ۱۴۱.
- ۱۳- ----- (۱۳۲۶). «کتاب حدیقه‌الشعرا...»، مجله یادگار، سال چهارم، شماره چهارم، ۸۰.
- ۱۴- ایرج‌پور، محمدابراهیم (۱۳۹۳). «بازشناسی و معرفی تذکره ناشناخته معارف‌العارفین»، متن‌شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال پنجاهم، دوره بیست و یکم، (دوره جدید: شماره اول از سال ششم) ۷۷ - ۸۸.
- ۱۵- تربیت، محمدعلی (۱۳۷۸)، دانشمندان آذربایجان، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: وزارت فرهنگ و

ارشاد.

- ۱۶- حسینی، احمد (۱۳۶۲). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی آیه‌الله مرعشی، قم: کتابخانه‌ی آیه‌الله مرعشی.
- ۱۷- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۸- ----- (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۹- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، نسخه دیجیتال.
- ۲۰- رحیمیان، هرمز (۱۳۸۰). آشنایی با ادبیات معاصر ایران، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.
- ۲۱- رنجبری حیدریباغی، احمد (۱۳۹۴). «نگاهی به دو تذکره شعر از اسرار علی‌شاه تبریزی و نقد و بررسی تصحیح حدیقه‌الشعرا اسرار»، فصلنامه میراث، سال دوم، شماره ششم و هفتم، ۴۶ - ۳۱.
- ۲۲- زیاری، حسن؛ محمدی‌فشارکی، محسن (۱۳۹۲). «تبعی در تذکره یخچالیه»، فصلنامه آینه میراث، شماره پنجاه و سوم، ۱۷۸ - ۱۵۹.
- ۲۳- سالمیان، غلامرضا؛ یاری گل‌دره، سهیل (۱۳۹۱). «نقش تذکره‌ها و فرهنگ‌ها در تصحیح متون»، متن‌شناسی ادب فارسی، سال چهارم، شماره پانزدهم (سوم از دوره جدید)، ۷۴ - ۵۹.
- ۲۴- شفیعیون، سعید (۱۳۹۳ الف). «گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی»، نشریه فنون ادبی، سال ششم، شماره یازدهم، ۱۰۴ - ۸۵.
- ۲۵- ----- (۱۳۹۳ ب). «نقد چاپ عرفات‌العاشقین، مصداقی برای بایسته‌های تصحیح تذکره‌های ادبی فارسی»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره بیست و چهارم (چهارم از دوره جدید)، ۱۶۶ - ۱۰۳.
- ۲۶- فتح‌علی‌شاه قاجار (۱۳۷۰). دیوان اشعار، تصحیح حسن گل‌محمدی، تهران: اطلس.
- ۲۷- قربانی‌زرین، باقر (۱۳۸۰). «تذکره‌نویسی فارسی»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- ۲۸- گلچین‌معانی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی، جلد اول و دوم، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۲۹- مجد، امید (۱۳۹۱). «نگاهی به سبک شعری شعرا آذربایجانی عهد قاجاریه (باتکابه تذکره بهجت‌الشعرا)»، مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال اول، شماره اول، ۱۹ - ۲.
- ۳۰- محمودمیرزا قاجار، بیان‌المحمود، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز.
- ۳۱- مذهب اصفهانی (متخلص به بهار)، میرزاحمدعلی (۱۳۲۱). تذکره یخچالیه، به تصحیح احمد گلچین‌معانی، تهران: شرکت تضامنی حیدری، چاپ سوم.
- ۳۲- نخجوانی، حاج حسین (۱۳۴۳). مواد‌التواریخ، تهران: کتاب‌فروشی ادبیه.
- ۳۳- نوشاهی، عارف (۱۳۶۹). «نام‌گذاری کتاب‌های فارسی در شبه‌قاره»، ترجمه جلال حسین، نشریه کتاب‌داری، شماره شانزدهم، ۹۳ - ۱۰۰.
- ۳۴- واله داغستانی، علی‌قلی بن محمدعلی (۱۳۸۴). ریاض‌الشعرا (۵ جلد)، با مقدمه و تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.